

تغییرات گذرا در وضعیت آگاهی

پیامی از هاتورها از طریق تام کنیون / ۲۰ آوریل ۲۰۱۱

معانی اصطلاحات :

"گره های مغشوش" chaotic nodes از تجمع حوادث بی نظم به وجود می آیند. طبق گفته ی هاتور ها ، زمین وارد یک مرحله ی گره های هرج و مرج شده است و در نتیجه ما می توانیم انتظار افزایش هر چه بیشتر سطوح آشفتگی و بی نظمی در کره ی زمین را داشته باشیم ، که البته این آشفتگی ها تنها منحصر به زمین لرزه ها ، فعالیت های آتشفشانی ، و تغییرات الگوهای آب و هوایی ، و فجایع محیط زیستی نمی باشند ، بلکه اغتشاشات سیاسی ، اجتماعی ، و اقتصادی را هم در بر می گیرند .

"تغییرات گذرا در وضعیت آگاهی" transition states of consciousness زمانبست که هاتورها آن را یک وضعیت میانه و معلق می نامند که پس از یک ضربه و از دست دادن بزرگ آن را تجربه می کنیم . یعنی آن زمانی که موقتاً خود را میان ۲ وضعیت ، یکی واقعیت قدیمی که گذشته است ، و دیگری واقعیت جدیدی که هنوز به درستی شکل نگرفته است می یابیم .

شاخص ها یا "علائم ادراکی" perceptual markers عبارتیست که توسط هاتورها استفاده می شود برای تشریح چگونگی تشخیص ما از واقعیت و دنیای اطرافمان توسط حواس پنج گانه مان و شیوه ی جهت دادنمان به زندگی.

پیام هاتورها :

طبیعت گره های مغشوش این است که تغییرات گذرا در وضعیت آگاهی ما ایجاد می کنند . تغییر در وضعیت آگاهی وقتی پدیدار می شود که نشانه های ادراکی ما از میان می روند. زمانی که این اتفاق رخ می دهد شما وارد یک محدوده ی تهی null zone می شوید که در آن واقعیت های قدیمی شما دیگر وجود ندارند ، و یا به صورت بنیادی تغییر یافته اند ، در حالیکه واقعیت جدید نیز هنوز کاملاً بوجود نیامده و پا نگرفته است .

بر اساس این حقیقت که هم اکنون شما وارد یک مرحله ی به مراتب شدید تری از گره های آشفته شده اید ، ما می خواهیم نظراتمان را با شما در خصوص این وضعیت انتقالی به اشتراک بگذاریم ، به این امید که شاید بتوانید از این دانش به نفع و سود خودتان استفاده نمایید .

مطابق به اهدافمان ما می توانیم تغییرات گذرا در آگاهی را به ۳ طبقه ی عمده تقسیم کنیم :

۱ - وضعیت تغییرات آگاهی شخصی

۲ - وضعیت تغییرات آگاهی جمعی

۳ - مرگ فیزیکی

• وضعیت تغییر آگاهی شخصی

اجازه دهید اول توجهمان را به وضعیت های تغییرات فردی معطوف سازیم ، چرا که درک و دریافت شخصی نقطه ی اصلی و محوری برای دریافت و درک واقعیت است .

درک شما از واقعیت اساساً یک آفرینش شخصی می باشد . این درک تحت تاثیر دریافت جمعی و فرهنگی شما از ، زمان ، مکان ، و شرایط می باشد . اما اساساً آنچه که برای شما واقعی هست یا نیست مبتنی بر آفرینش خود شماست .

استنباط شما از واقعیت مبتنی بر "عادات ادراکی" شما می باشد . اگر شما مثل بیشتر افراد باشید ، به تجربه ی واقعیت های مطمئن و مشخص در زندگی خود عادت دارید و به نوعی اینها هستند که به شما می گویند که در کجای کار قرار گرفته اید . شما صبح از خواب بیدار می شوید و به ساعت نگاه می کنید و بلافاصله استنباط جمعی جامعه تان از زمان در برابر شما قرار می گیرد و عمل می کند . اما انتخاب اینکه شما این توهم جمعی را بکار گیرید یا خیر به خودتان مرتبط است و امریست شخصی . در حقیقت یکی از نشانه های استادی معنوی توانایی موفقیت آمیز گذر از میان تصورات و توهمات فرهنگی و جمعیت ، در حالیکه در ضمن ماهیت و طبیعت آنها را به روشنی درک می کنید .

هنگامیکه شرایط در زندگی شخصی شما شدیداً تغییر می کند ، تمایل محو شدن و باز سازی شاخص ها یا "علائم ادراکی" پدید می آید . این شرایط طبیعتاً برای بیشتر افراد گیج کننده است .

این پدیده زمانی رخ می دهد که تغییرات اساسی و بنیادین در زندگی شخصی افراد اتفاق می افتد .

مثلاً اگر یک رابطه ای که برای شما بسیار با اهمیت است ناگهان به پایان رسد ، نشانه های ادراکی آن رابطه یکباره از میان می روند و شما وارد شرایط تغییر وضعیت آگاهی می شوید . یا اگر شما دچار یک بحران شدید سلامتی شوید ، به حدی که زندگی و بقای فیزیکی تان بصورتی اساسی متاثر گردد ، نشانه های ادراکی ناپدید می شوند و این اتفاق می تواند یک به هم خوردگی و عدم ثبات و گیجی عمیق به همراه داشته باشد . در اینصورت شما باری دیگر وارد یک حالت گذرا در وضعیت آگاهی شده اید .

بباید در اینجا یک سناریوی ممکن را مطرح سازیم . اگر شما برای سالهای متوالی در یک شغل بخصوص کار کرده باشید ، احتمالاً تمامی زندگی تان را حول و حوش این موقعیت کاری و توقعاتش نظم بخشیده اید . سر زمان مشخصی ناهار می خورید . سر زمان مشخصی به منزل باز می گردید . با دیگران به روش مشخصی تعامل و رابطه دارید . به طوری که همه ی اینها پاسخ گوی نیاز شغلیتان است .

اگر این شغل به طور آنی و غیر منتظره ای ناپدید گردد ، این نشانه های ادراکی شما نیز از بین می روند . دیگر نیازی نخواهد بود که سر ساعت مشخصی بیدار شوید ، سر ساعت مشخصی غذا بخورید ، و سر موقع به خانه برگردید . همچنین افرادی که با ایشان هر روزه سرکار دارید و در تعامل هستید دیگر در دسترس شما نخواهند بود .

این شرایط برای اکثر افراد ذاتاً گیج کننده است . مجدداً اشاره می کنیم که در اینجا اتفاقی که افتاده است این است که نشانه ها یا شاخص ها و "علائم ادراکی" از بین رفته اند . این اتفاق هم به صورت جزئی و هم به صورت کلی صورت می گیرد .

همینجور که به شدت گره های مغشوش افزوده می شود ، افراد بیشتری تحت تاثیر امواج شدید فرو پاشی واقعیت های قدیم زندگی خود قرار می گیرند . آنچه که در گذشته قطعی و مطمئن بود ، امروزه دیگر نیست ، و آنچه که دیروز منسجم بود به نظر می آید که دیگر همان زمین مستحکم در زیر پلیشان نیست - هم به طور باطنی و هم به صورت واقعی .

موج دیگری از تغییرات آشفته از دل گره های مغشوش در حال پدیدار گشتن است ، و هم اکنون افراد زیادی را تحت تاثیر خود قرار داده است . لیکن تاثیرات آن مثل یک "سونامی" *tsunami* ، بسیار گسترده تر و به مراتب فرا گیر تر خواهند بود .

این وضعیت گذرای خاص منجر به فروپاشی دروغ های بزرگ فرهنگ جمعی جامعه ی شما خواهد شد . بطوریکه افراد هر چه بیشتری از شما متوجه بازی های سایه در پشت پرده می شوند . شما متوجه اساتید کنترل گرا در پشت عروسک های متحرک دست نشانده می شوید . اگر چه ماهیت آنها ممکن است گول زننده باشد ، لیکن شما به طور روز افزون متوجه این واقعیت می گردید که جنبه های مختلفی از تمدناتان در زیر کنترل و محدودیت بسر می برند ، و نیز در بسیاری موارد دروغ های فاحشی را مشاهده خواهید کرد .

دروغ هایی که در اینجا از آنها صحبت می کنیم دروغ های اقتصادی و مذهبی و دروغ های مرتبط به جنگ ها نمی باشند . بلکه بزرگترین این دروغ ها ، هویت خود شماست . یک دروغ جمعی عظیم که باعث و ضامن محبوس بودن شما بوده است . این دروغ ، باوریست فرهنگی که تاکید بر این دارد که شما فقط موجودی "فیزیکی" هستید و مشخصاً هیچ حقیقت دیگری فرا تر از تجربه ی زمینی تان برای شما وجود ندارد.

شناخت این دروغ ، اولین پیام آور آزادی شخصی شماست . لیکن در ابتدا این موضوع می تواند برای شما بسیار گیج کننده باشد و باعث سردرگمی تان گردد . دلیل آن هم این است که تجربه های چند بعدی ، از تجربه ی صرفاً زمینی روزمره ی شما بسیار متفاوت می باشند . اگر شما خود را تنها و منزوی در میان زندگی زمینی و چند بعدی خود می یابید ، این مشخصه ی این است که شما وارد یک مرحله از دگرگونی وضعیت آگاهی شده اید .

هدف ما از به اشتراک گذاشتن این اطلاعات با شما در این برهه ی زمانی این است که بتوانیم اصولی عملی و کاربردی را در طی این تغییرات آگاهی به شما ارائه دهیم ، برای گذر راحت تر تان از این وضعیت .

هنگامیکه شما شخصاً به شدت وارد یک مرحله ی تغییر آگاهی شوید ، ممکن است مثل بسیاری از انسانها ، در غم و اندوه و سردرگمی گرفتار گردید . بسیاری از افراد با از دست دادن نشانه های ادراکی خود دچار شوک می شوند ، و پذیرفتن اینکه آن واقعیت هایی که قبلاً "واقعی" پنداشته می شدند و هم اکنون فرو ریخته اند بسیار مشکل است .

با توجه به این حقیقت که زمان در حال شتاب گرفتن است (منظور اینکه تراکم اتفاقات زیادی در زمان کمتری جای گرفته اند) ، باقی ماندن در وضعیت شوک و ناپایداری یک حالت روانیست که شما نمی توانید به خود اجازه دهید .

نکته ی ضروری که در اینجا می خواهیم به آن توجه کنید این است که بدون توجه به ماهیت و طبیعت وضعیت تغییر ، چه شخصی باشد و در زندگی فردی آن را تجربه کنید ، و چه جمعی باشد و از طریق فروپاشی دروغ های فرهنگی با آن مواجه گردید ، شما همیشه خوتان خالق واقعیت های خود می باشید .

ممکن است شما بسیار داستانها برای توضیح اینکه چگونه زندگیتان بر هم ریخته و یاس آور گشته است داشته باشید . لیکن اینها فقط داستان می باشند . ممکن است از دیگران ، موقعیت ها ، و موسسات گله مند باشید و آنها را در راس مشکلات خود بدانید. اما این فقط از سر باز کردن مسئولیت است. داستان های شما ممکن است کاملا حقیقی باشند و دیگر افراد و موقعیت ها و موسسات نیز ممکن است ظاهرا باعث بسیاری از مشکلات شما شده باشند و موانع شما محسوب گردند . اما زمانی که شما وارد مرحله ی تغییر آگاهی می شوید ، در می یابید که شما خود در مرکز چرخه ی پر قدرت روند خلقت قرار گرفته اید . لیکن لزومی به گریه کردن برای شیری که بر زمین ریخته شده نیست ، چیزی که از دست رفته دیگر از دست رفته .

اینک سوال اصلی مطرح می شود که "حال شما چه خواهید کرد" ؟

آیا در وضعیت شوک ، یاس ، عصبانیت ، و ناراحتی باقی می مانید؟ یا اینکه گام در هویت اصلی خود به عنوان "آفریننده ی" زندگی خود می گذارید؟

برای آن دسته از شما که ماندن در وضعیت ارتعاشی پایین تر را انتخاب می کنند ما حرف و توصیه ای نداریم . توصیه های ما برای آن دسته از شماست که به اندازه ی کافی شهامت و جسارت برای قدم گذاشتن به هویت اصلی تان به عنوان یک خالق را دارید . اگر شما یکی از این افراد می باشید ، اینها پیشنهادات ما هستند :

زمانی که همه چیز ناپدید شود ، یعنی شاخص ها یا "علائم ادراکی" واقعیتتان کاملا به کنار روند ، درک کنید که به مرحله ی نقطه ی خلاء (تهی) void point پای گذاشته اید .

مرحله یا نقطه ی خلاء (تهی) یک مرحله یا گذر اساسی و حساس بین واقعیت قدیم و واقعیت جدید می باشد. آنچه که قبلا بود به اتمام رسیده و گذشته است . به جای تاسف برای از دست دادن ها ، مرحله ی خلاء را بپذیرید . برای بیشتر افراد این مرحله مرحله ای چالش برانگیز است ، چرا که در نقطه ی خلاء هیچ کار برای انجام دادن وجود ندارد. شما به سادگی فقط باید "شاهد" آن و خودتان باشید . در این سرزمین بی مالک و بی نام و نشان هیچ نشانه ی ادراکی وجود ندارد .

لیکن به شاخص ها یا "علائم ادراکی" جدیدی که بنا می کنید خوب دقت کنید ، چرا که این عقاید و باورها ستاره های جدید در آسمان ذهنیت شما خواهند بود ، و شما مسیر و جهت تان را در زمانه ی جدید توسط این ستاره ها (افکار و باورهای جدیدتان) که در آسمان آگاهی خود قرار داده اید هدایت و مشخص خواهید کرد . پس در خلق ستاره های جدید خود هوشیار و آگاه باشید ، ای همیاران خلاق ما در دل این "راز بزرگ" The great mystery .

• وضعیت تغییر آگاهی جمعی

از دید ما ، اجتماع انسانی در حال حاضر مثل یک مار بزرگ کیهانیست که در حال پوست انداختن است ، در حالی که دائما به خود می پیچد و تکان تکان می خورد تا موانع و پوسته ی قدیمی را از خودش جدا سازد . بعضی از این چالش ها شکل اقتصادی دارند و بعضی سیاسی . بعضی به معنای ویرانی و تغییرات بنیادین تمدن ها می باشند ، و بعضی از این پیچ و تاب خوردن ها نیز به زمین لرزه و فعالیت های آتشفشانی و تغییرات الگوهای آب و هوایی منتهی می شوند .

همینطور که فجایع طبیعی و نیز دست ساز بشر رو به افزایش می روند ، تعداد بیشتری از شما روز به روز خود را میان یک مرحله از تغییر آگاهی می یابید . واضح است که آن تعداد از شما که مستقیماً با حوادثی چون زلزله ، آتش فشان ، و تغییرات آب و هوایی شدید رو به رو می گردید بیشتر از دیگران ورود به مرحله ی تغییر آگاهی را تجربه می کنید . اما آن گروه از شما نیز که طبیعت حساس تری دارند می توانند این فشارها و فجایع طبیعی و یا دست ساز بشر را به نوعی تجربه کنند که انگار خودشان هم به طور فیزیکی در آنجا حضور دارند .

حقیقتاً همینطور که آن پوششی که آگاهی های انسانی را محدود و از یکدیگر جدا نگاه داشته است از میان می رود ، هر روز تعداد بیشتری از شما وقوع این تغییرات را در دنیا در سطوحی غریزی و فرا منطقی در اعماق درون خود تجربه می کنید .

حال می خواهیم توجه مان را به جنبه ی آفرینش جدید جلب نماییم ، خصوصاً برای آن تعداد از شما که خود را در عواقب فجایع طبیعی و نیز فجایع دست ساز بشر همانند زمین لرزه ، فوران آتشفشانی ، و یا تغییرات آب و هوایی یافته اید .

اگر نیرو های ویرانگر به اندازه ی کافی قوی باشند ، ممکن است نشانه های ادراکی واقعیت های پیشین شما دیگر وجود نداشته باشند . یعنی خانه یا محل کار شما ممکن است دیگر وجود نداشته باشد . ممکن است با کمبود آب یا غذا روبرو شوید . متغیرهای بسیار زیادی می توانند همراه با هم باعث خلق موقعیت های شوک و دلهره شوند .

امیدواریم آنچه را که می خواهیم بگوییم بتوانیم به روشنی بیان کنیم . شوک و دلهره پاسخ طبیعی موجودات پستاندار به فجایع ناگوار می باشد . لیکن اگر شما سعی در تغییر و صعود در لحظه را دارید ، باید بتوانید از این پاسخ غریزی فرا تر روید و به ابعاد بالاتر وجودی خود راه یابید - به آن جنبه از حقیقت و آگاهی درونیتان که فرای زمان و مکان است .

حد توانایی شما در پذیرفتن و ترکیب جنبه ی صعودی تان به عنوان بخشی از معادله ی نجات و ادامه ی بقای خودتان ، نشانگر قابلیت شما در کاهش و متعادل سازی شوک ها و فشارهای ایجاد شده و غلبه بر آنهاست . ویژگی اصلی که لازم است در میان بی نظمی و آشفتگی ها به آن توجه داشته باشید این است که هر شکلی از بی نظمی یک فرصت برای رشد و ارتقاء می باشد .

فرصت برای ادامه ی بقا و شروع یک زندگی جدید ممکن است خود را به صورت هایی به شما نشان دهد که اصلاً انتظارش را ندارید . نیز به دلیل اینکه "علائم ادراکی" دیگر سر جای خود نمی باشند ، خیلی مواقع ممکن است آگاهی شما متوجه فرصت ها و موقعیت هایی که نمایان می شوند نگردد و بدینسان شما می توانید آنها را از دست بدهید .

یک عادت و تمایل قوی در انسان موجود می باشد که میل دارد واقعیت جدید را به شکل و الگوی واقعیت گذشته ببیند و اینها را به هم وصل کند . این یک عادت دست و پا گیر است که باعث می شود از شرایط کنونی بهره ی کمتری ببرید .

چیزهای زیادی هست که ما می توانیم درباره ی واقعیت های چندین ابعادی hyper-dimensional realities تاثیر یافته از آزادی حق انتخاب که در طی حوادث گره های مغشوش وجود دارند بگوییم . اما در حال حاضر بیشتر میل داریم درباره ی ابعادی که عملی تر هستند صحبت کنیم و توضیح دهیم .

ممکن است در فرصتی دیگر فلسفه ی خودمان را درباره ی طبیعت و امکانات بی حد و حصری که در درون شما وجود دارند با شما به اشتراک بگذاریم . اما هم اکنون اجازه دهید ساده نگر باشیم و به شما فرمولی را عرضه نماییم برای شناخت و استفاده از فرصت ها در مسیر پدید آوردن سرنوشت و دنیای جدیدتان ، همینطور که اینها خودشان را بر شما برملا می سازند .

فرض کنید که وارد یک وضعیت تغییر آگاهی شده اید و با مرحله ی خلاء (تهی) ارتباط برقرار کرده اید و کم و بیش با شرایط نامطمئن و نابسامان خود سازگار گشته اید و آن را قبول کرده اید . پیشنهاد ما این است :

مشتاق و علاقمند باشید و انتظار هر معجزه ای را داشته باشید .

با ورود به حالت اشتیاق و کنجکاوی به یک نگرش ذهنی دست می یابید که از انتظارات رها و خالیست و بسیار شبیه ذهن یک بچه است . در این معصومیت (که با "نابالغ" – غیر مسئول- بودن بسیار متفاوت است) شما به این فرصت دست می یابید که وارد ارتعاشات برتری از آگاهی شوید که به شدت برایتان مفید خواهند بود .

با انتظار امکان رخداد معجزات ، شما قدرت و نیروی خلقت را در خود رها می سازید و به همراه گسترش آن متوجه افزایش اتفاقات "شانسی" و سودمند خواهید شد ، همانند گنجینه هایی که انتظارشان را ندارید که یکباره بر شما برملا می گردند ، چه به صورت فیزیکی و چه به صورت ذهنی و عاطفی .

این ترکیب از اشتیاق و کنجکاوی در باره ی آنچه که در آینده رخ خواهد داد و انتظار امکان معجزه ، به سرعت شما را از نقطه ی خلاء به سمت یک زندگی جدید سوق می دهد ، یک خلقت و آفرینش جدید ، بدون تاثیرگیری از آنچه که ممکن است در اطراف و یا برای اطرافیان شما رخ دهد .

در طی تغییر وضعیت آگاهی جمعی ، یادآوری این نکته می تواند یاری دهنده باشد که هر کسی آفریننده ی واقعیت خودش است و در میان یک آشفته گی جمعی ، افراد می توانند انتخاب های متفاوتی را برگزینند و در کنار هم به تجارب شخصی بسیار متفاوتی از یکدیگر دست یابند .

سعی کنید تحت تاثیر کسانی که به واقعیت ارتعاشی پایین تری وارد می شوند قرار نگیرید . شما نمی توانید جلودار آنها باشید و آنها را از خودشان (از مسیری که خودشان انتخاب کرده اند) "نجات" دهید . انتخاب آنها را بپذیرید و خودتان به بالا نگاه کنید و سعی کنید در سطح بالاتری زندگی کنید ، همراه با اشتیاق و انتظار معجزات . چرا که در سخت ترین شرایط نیز معجزات رخ می دهند و می توانند اتفاق بی افتند .

• مرگ فیزیکی

یکی از با اهمیت ترین و مشکل ترین مراحل برای موجودات مجسم (دارای جسم فیزیکی) تغییر وضعیت آگاهی توسط آنچه آن را مرگ می نامید می باشد .

این بدین دلیل است که تمامی نشانه های ادراکی که شامل حواس پنج گانه نیز هستند به یکباره محو می گردند و از میان می روند. اگر فرد فقط با وجود فیزیکی و مادی خود حضور خود را درک کرده باشد، گذر از این مرحله برایش بسیار سخت خواهد بود زیرا که تمامیت آنچه که آن فرد هویت خود را با آن تشخیص می دهد به یکباره نیست گشته است.

اگر چه بقای دنیای فیزیکی ادامه دارد، لیکن برای وی دیگر مسیر های ورودی به آگاهی اش از طریق ۵ حواسش وجود ندارد. مثل این می ماند که دنیا غیب شده باشد و به همراه آن جسم او نیز. آن "من هستم" I am بزرگ، یا مرکزیت موجودیت و آگاهی، دیگر اطلاعاتی را از طریق جسم، حواس پنج گانه، و دنیای اطراف خود دریافت نمی کند، و این شرایط می توانند برای کسی که هنوز مستقیماً تجربه ی دیگری از حقایق وجودی خود را نداشته است بسیار رنج آور و گیج کننده باشند.

به طور سمبلیک، شما مثل یک درخت عظیم هستید - درخت زندگی - با تعداد بسیار زیادی شاخه و برگ و شکوفه. این بعد فیزیکی جاری شما تنها یکی از این برگ ها و شکوفه هاست.

وقتی فردی در مسیر تغییر آگاهی که آن را مرگ می نامید قدم می گذارد، انتخابهای متفاوتی در پیش رو دارد.

مثلاً اگر شما در زندگی خود مسیر و روش معنوی شاخصی را دنبال کرده باشید که در مرکزیت آن یک پیشوا، گورو (پیر)، یا یک آواتار Avatar قرار داشته باشد، شما می توانید مسیر وی را دنبال کنید و به بعد ارتعاشی آگاهی او وارد شوید. در برخی مذاهب این دیار "بهشت" نامیده می شود.

اما با پیروی از راه یک مرشد، ناجی، پیر، یا آواتار Avatar، این درک را نیز داشته باشید که شما وارد بهشت او و ارتعاشات آگاهی او می شوید. یعنی آن بعد ارتعاشی که وی توانسته است کسب کند، و بنابراین در عین حال به محدودیت های آگاهی و ارتعاشی آن شخص نیز وارد می گردید.

از دید ما کیهان طبیعی بی کران و لایتناهی دارد. در اینجا ما فقط در باره ی فضای بیرونی صحبت نمی کنیم، بلکه به لایه ها و حقایق درون بعدی کیهانی هم اشاره داریم. تجربه ی ما تا به حال این بوده است که هیچ شخص یا موجودی وجود ندارد که توانسته باشد بطور واحد به درک همه ی آنچه که هست دست یافته باشد.

اما اگر شما آرزو دارید تا بمرشد و ناجی خود در تجربه ی مرگ وصل گردید، چند پیشنهاد برایتان داریم. اول اینکه نام وی را در ذهنتان تداعی کنید. این یک شناخت از مصر باستان است که به عنوان رن Ren مرسوم بوده، به معنی "اسم". وقتی شما اسم یک شخص معنوی را صدا می زنید، به طور خودکار قسمتی از آگاهی و دید او به سمت شما جذب می شود.

اگر در لحظه ی مواجهه و برخوردتان با استاد / مرشد / ناجی خود، او شما را آماده و لایق یابد و پذیرایتان باشد، شما به همراه وی به حیطة و قلمروی ملکوتی او وارد می شوید.

برای آن تعداد از شما که سنت های معنوی شرق را دنبال می کنید، مانترا Mantra (ذکرها) ای موجود هستند که مرتبط با جنبه های مختلف ارتعاش آگاهی یا "الاهه" ها می باشند. خواندن این مانتراها هنگام مرگ، یا در دیار مرگ، تاثیر مشابهی به آنچه که در بالا توضیح دادیم به همراه دارد.

برای آن گروه از شما که پیروی راه خاصی که از مرشد و ناجی مشخصی برخوردار باشد نمی‌باشید، گذر از تغییر وضعیت آگاهی در تجربه‌ی مرگ امکانات دیگری را به همراه می‌آورد.

همانند دو مسیر دیگر در تغییر وضعیت آگاهی، دیار مرگ دارای یک نقطه‌ی تهی یا خلاء **void point** می‌باشد که شاخص‌های اصلی آن سکون، سکوت، و تاریکیست. تمامی امکانات در این خلاء وجود دارند. ولی هیچ واقعیتی در آن وجود ندارد. این دیار همانند دانه‌ی یک درخت بلوط است. تمامی درخت بلوط، درختی به آن عظمت، همواره در دانه‌ی بلوط بالقوه موجود می‌باشد، در حالی که هنوز وجودیت واقعی ندارد.

آن هنگام که خود را در خلاء یافتید - آن را از این رو تشخیص خواهید داد که کاملاً تنها و در سکون و سکوت محض حضور خواهید داشت - بدانید که در مرکزیت نیروهای آفرینش خود قرار گرفته‌اید. هر آنچه که شما انتخاب کنید که خلق کنید، تعیین‌کننده‌ی آینده‌ی شماست، و اینکه در چه دنیاهایی و چه حقایق وجودی ساکن خواهید شد. این یک لحظه و تقاطع بحرانی و تعیین‌کننده است. معمولاً در این حیطة بیشتر افراد به دلیل ترس از تاریکی، عجلانه وارد نور می‌شوند و متوجه نمی‌شوند که با اشتیاق خودشان روشنایی را به وجود آورده و خلق می‌کنند.

آن هنگام دروازه‌ای پیش روی آنها باز می‌گردد، مثل یک تونل، و آنها می‌توانند از طریق این تونل به سمت نور حرکت کنند و با اشخاصی که از قبل می‌شناختند روبرو شوند. بنابراین نادانسته بازگشت به جسم (تناسخ) و یا حقایق ارتعاشی وجودی دیگری را انتخاب می‌کنند، بدون آنکه کاملاً شناخت و آگاهی از نتایج اینها داشته باشند.

البته این نیز مطمئناً یک حق انتخاب است که در پیش روی شما قرار می‌گیرد، انتخابی که اغلب نیز برگزیده می‌شود.

گزینه‌ی دیگر این است که در نقطه‌ی خلاء باقی بمانید و نسبت به خودتان به عنوان "شعور خالص" آگاه گردید، آن شعوری که مافوق تمامی پدیده‌هاست. اگر در این موقعیت آگاهی به مدت کافی باقی بمانید، بدون اینکه نیاز به خلق چیزی را داشته باشید، هویت خودتان را به عنوان عظمت "من هستم" **I am** کشف خواهید کرد، و سپس از این منظر از آگاهی شما خواهید توانست شرایط جسم بپیری بعدی خود را انتخاب کنید. شما می‌توانید دنیاهایی را که می‌خواهید در آنها ساکن شوید را انتخاب کنید و نیز ارتعاش آگاهی‌هایی را که می‌خواهید تجربه کنید را تعیین نمایید.

این روش آخر، وسیع‌ترین فرصت‌ها را برای شما فراهم می‌سازد، اگر چه حضور در آن برای بیشتر افراد بسیار مشکل است. چرا که بیشتر انسانها نداشتن یک بدن فیزیکی را دشوار و ناراحت‌کننده تصور می‌کنند. این اشتیاق به داشتن یک جسم حاوی تجربه‌ی دنیای مادی معمولاً افراد را به طور زودرس از نقطه‌ی خلاء به بیرون می‌کشد.

به طور خلاصه، بر مبنای افزایش مراحل اغتشاش و بی‌نظمی، بسیاری از شما خود را در سطوح مختلف وضعیت تغییر آگاهی خواهید یافت. بدون توجه به اینکه خود را درگیر چه مرحله‌ای بیابید، چه در زندگی شخصیتان، و چه در تجربیات جمعی، یا حتی در وضعیت تغییر آگاهی که آن را به عنوان مرگ می‌شناسید، این را بدانید که: **شما خالق واقعیات خود هستید.**

هاتورها / ۲۰ آوریل ۲۰۱۱

مشاهدات و توصیه های تام کنیون :

من شخصا این پیام را فوق العاده گویا و پر ملات یافته ام ، همانند مخزنی آکنده از اطلاعات . شخصا این پیام را بارها و بارها مکررا خوانده ام و هر بار چیز جدیدی در آن کشف کرده ام . حقیقتا چیزهای زیادی در لابلای این گفتگو وجود دارد . من خصوصا این عبارت هاتورها را دوست دارم :

" به شاخص ها یا "علائم ادراکی" جدیدی که بنا می کنید خوب دقت کنید ، چرا که این عقاید و باورها ستاره های جدید در آسمان ذهنیت شما خواهند بود ، و شما مسیر و جهتتان را در زمانه ی جدید توسط این ستاره ها (افکار و باورهای جدیدتان) که در آسمان آگاهی خود قرار داده اید هدایت و مشخص خواهید کرد . پس در خلق ستاره های جدید خود هوشیار و آگاه باشید ، ای همیاران خلاق ما در دل این "راز بزرگ" **The great mystery** ."

در حیطه ی ذهنیت جمعی مان ، فکر می کنم که واقعیت های اسطوره ای ما شدیدا در حال تغییر پایه ای هستند . اینطور به نظر می رسد که ستاره های قدیمی که شامل افکار و باورها و پیش فرض های قدیمی مان در باره ی واقعیت می باشند - که تمدن ما را هزاران سال است که هدایت کرده اند - رو به افول باشند ، بدون توجه به اینکه آنها ما را به جهاتی هدایت کرده اند که بسیاری از ما دیگر خواهان ادامه در آن مسیر نمی باشیم .

به نظر می رسد که کشتی جمعی تمدن ما در حال گذر از آب های "راز بزرگ" **the Great Mystery** می باشد بدون کوچک ترین توجه به تقدس این سیاره و زندگی ای که بر روی آن موجود است . لیکن همچنان که کشتی جمعی ما واضحا به صورتی کاملا نا آگاه در حال حرکت در دل "راز بزرگ" است ، از یاد بزرده ایم که خود کشتی و سرنشینان آن که ما باشیم اساس وجودیتمان را مدیون "راز بزرگ" می باشیم . این دوگانگی عجیب و غریب به نظر من هم می تواند تراژیک و هم مضحک و خنده آور باشد ، بسته به اینکه در چه حال و احوالی بسر برم و اینکه تا چه حدی خودم را در ارتباط و یا عدم ارتباط با "راز بزرگ" ببابم . یکی از طعنه های شرایط ما این است که خدمه و کارکنان این کشتی ، آنهایی که آنها را هدایت می کنند ، توسط گذاشتن سرمایه ی نیروی حیاط ، خلاقیت ، و در برخی موارد خون ، زحمت ، و اشکهایشان ، به هیچ وجه کمتر یا بیشتر از تو و من و ۷ میلیارد انسان دیگری که بر روی این سیاره ی باشکوه وجود داریم نمی باشند . همه ی ما فارغ از شخصیت ، شرایط زندگی ، و باورهایمان ، خدمه و هدایت کنندگان این کشتی بزرگ می باشیم .

هستند کسانی در جامعه ی "عصر جدید" **New Age** که سالهاست ادعا دارند ما بسیار نزدیک به اتحاد و یکپارچگی جهانی بسر می بریم و اینکه "عصر طلایی" نزدیک و در حیطه ی اجرا است . من با این برداشت موافق نیستم . ما همگی درون یک قایق بسر می بریم ، چه دوست داشته باشیم و چه نداشته باشیم ، و به نظر من خدمه و کارکنان قایق ما شدیدا نسبت به هم دو قطبی و متضاد می باشند . یعنی گروه بزرگی از ما همچنان بر روش های حرص و آز و تکبر و سوء استفاده از زمین تاکید و اصرار دارند ، و این روش ها را جهت نمای اصلی ما می دانند . و بعضی دیگر از ما حس می کنند که در جهت غلطی سیر می کنیم و اینکه دیگر بیشتر از این نمی توانیم این سیاره و زندگی درون آن را ویران و تهدید نماییم (هم زندگی انسانی و هم زندگی ورای انسانی) .

برای این دسته از ما ستاره های جدیدی در آسمان ذهنمان پدیدار گشته اند ، و ما جهت یابمان را بر مبنای این نشانه های جدید و علائم کیهانی تنظیم کرده ایم . اینکه همه ی این اتفاقات به کجا ختم شود ، می تواند حدس هر کسی باشد . لیکن من با شورش ساکتی که در اطرافم مشاهده می کنم که هم اکنون در حال وقوع و جریان است ، بسیار تشویق و امیدوار می شوم .

تعداد بسیاری از ما در گروه سرنشینان ، و حدس من این است که شما نیز که تا اینجا این متن را خوانده اید به احتمال زیادی یکی از این افراد باشید ، در سکوت برای تغییر جهت حرکت جمعی کشتی (دیوانگی تمدنمان) ، یا حداقل کم کردن سرعت آن فعال و کوشا هستند . بعضی از ما جهت یاب و زاویه یاب هایمان را بدست گرفته و به ستاره ها و نشانه های جدیدی اشاره می کنیم و سعی داریم اطرافیانمان را متوجه سازیم . ما این کار را عملاً با زندگی کردن تغییرات مورد نظرمان انجام می دهیم ، با افزایش مهر و محبت نسبت به یکدیگر و پرورش شوق و شهامت زندگی کردن در واقعیت جدید سیاره ای که حس می کنیم امکان پذیر باشد . و نیز آن هنگام که لازم باشد با ایستادگی و پافشاری بر ارزش هایمان قاطع عمل می کنیم .

این نوع ایستادگی مرا به یاد جنبش "ریشه های سبز" grass roots movement می اندازد که در بعضی از فقیر ترین کشورها اتفاق افتاد ، در راه پاسداری از استفاده از دانه های "غیر پیوندی" - دانه هایی که پس از برداشت محصول باعث بوجود آمدن دانه های جدید می شوند - به جای اینکه فقیر ترین مناطق زمین معذب و اسیر سرمایه گذاری بین المللی شوند و برای تامین غذای خود و خانواده شان دائماً مجبور به خرید دانه ها و تخم های گیاهی مجدد گردند . هم اکنون که این متن را می نویسم ، به یاد شجاعت و مقاومت این انسانها در مقابل غول هایی که جهت کشتی جمعی ما را توسط حرص و آز و وقاحت و عدم کوچکترین توجه و احترام و قداست برای زندگی برنامه ریزی کرده اند ، گریه ام گرفته است .

هر چند مشکلات و چالش هایی که این روزها هم برای تک تک افراد و نیز برای جوامع وجود دارد عظیم است ، اما فکر می کنم که در این بی ثباتی که در روی داریم جای امیدواری هم هست. این را از این رو می گویم چرا که خیلی اوقات در مواجهه با دوره های مشکل و نا مطمئن روح انسانی به اوج خود ارتقاء می یابد .

اگر گفته های هاتورها صحیح باشند ، همه ی ما قبل از آنکه روزهایمان در کره ی زمین پایان پذیرند ، با موقعیت های مختلف وضعیت تغییر در آگاهی مواجه خواهیم شد ، و نشانه های استنباطی ما از واقعیت قدیمی مان جابجا خواهند شد. چگونگی برخورد ما با از دست دادن گذشته مان و وضعیت تغییر ، مشخص کننده ی سیکل بعدی وجودی انسانی در کره ی زمین است که همزمان به روی ما گشوده می شود . و برای تک تک ما در این مرحله ی گذشت از وضعیت تغییر آگاهی ، آنچه که خود انتخاب می کنیم که بصورت فردی در زندگی شخصی خود خلق کنیم ، آن سطوح از آگاهی را که می توانند به ما آشکار شوند معین می سازد .

برای همه ی شما هم قطارنم و همه ی کسانی که دوستشان دارید ، گذر امنی را از این زمانه ی پر آشوب و آشفته آرزو می کنم . بدون توجه به آنچه که رخ دهد و اینکه خود را در کجا و در چه موقعیتی بیابید ، همیشه این را به یاد داشته باشید که (در صدر و ورای همه چیزی) ما خالق واقعیات خود می باشیم .

ستاره های جدیدی در آسمان و دنیای جدیدی برای کشف موجود هستند . جسور باشید و سفر خوبی داشته باشید .